بسم الله الرحمن الرحیم

چهار شنبه 5/2/1400-14شوال 1442-26مه2021-درس فقه الاداره 353و354-فقه النظارة-نظارت بر برنامه – احکام نظارت – نظارت استصوابی –

مسالة:نظارت استصوابی چه حکمی دارد؟

فقه القرآن

النساء : 65 فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا في‏ أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْليماً به پروردگارت سوگند كه آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اينكه در اختلافات خود، تو را به داورى طلبند؛ و سپس از داورى تو، در دل خود احساس ناراحتى نكنند؛ و كاملا تسليم باشند.

***وجه استدلال***: نظارت استصوابی نوعی قضاوت است که تا رای نهایی ادامه دارد که باید تسلیم نتیجه آن شوند و این باعث ایمان آنها است یعنی اگر استصواب نباشد ایمان ها کاهش می یابد یا از بین میرود ویا اینکه تسلیم در مقابل نظارت استصوابی شرط ایمان است.

المائدة : 49 وَ أَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ وَ احْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ ما أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّما يُريدُ اللَّهُ أَنْ يُصيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَ إِنَّ كَثيراً مِنَ النَّاسِ لَفاسِقُونَ و در ميان آنها [اهل كتاب‏]، طبق آنچه خداوند نازل كرده، داورى كن! و از هوسهاى آنان پيروى مكن! و از آنها بر حذر باش، مبادا تو را از بعض احكامى كه خدا بر تو نازل كرده، منحرف سازند! و اگر آنها (از حكم و داورى تو)، روى گردانند، بدان كه خداوند مى‏خواهد آنان را بخاطر پاره‏اى از گناهانشان مجازات كند؛ و بسيارى از مردم فاسقند[[1]](#footnote-1)

***وجه استدلال***: حکم کردن طبق کتاب خدا به معنای رای استصوابی است و باید در مقابل هر نوع حاشیه سازی ایستاد و رای نهایی را به طور صحیح صادر کرد لذا پیامبر به عنوان حسبه که از زیر مجموعه هایش قضاوت است مکلف است که قضاوت و نظارت خود را تا رای و حکم نهایی صادر نماید .

در مجموع میتوان آیاتی که به وجوب قضاوت و حکم صحیح برای پیامبر ص دلالت دارند را زیر مجموعه نظارت موثر و استصوابی دانست.

نتیجه نهایی مستفاد از آیات : وجوب استصواب در نظارت .

فقه الحدیث

شرح أصول الكافي (صدرا) / ج‏4 / 183 / الفصل الرابع فى دفع ما ذكروه و هدم ما أسسوه و قرروه: ..... ص : 183

(2). و البداء استصواب‏ شي‏ء علم بعد ان لم يعلم «النهاية».

شرح أصول الكافي (صدرا) / ج‏4 / 183 / الفصل الثالث فى ذكر اعتذارات القوم و توجيهاتهم لمعنى البداء: ..... ص : 181

و منها: ما ذهب إليه علماء العامة حيث اصطلحوا على تفسير البداء بالقضاء و فسروا كلما رأوا فى الحديث لفظ البداء بمعنى القضاء كما فعلوا فى شروحهم الاحاديث كشرح الصحيحين و غيره و كما فعله ابن الاثير فى النهاية، فانه اورد بعض احاديث البداء و فيه: بدا لله ان يتبليهم، ثم شرحه فقال: اى قضى بذلك و هو معنى البداء هاهنا، لان القضاء سابق. و البداء فى اللغة استصواب‏ شي‏ء علم بعد ما لم يعلم و ذلك على الله غير جائز.

تاج العروس من جواهر القاموس / ج‏19 / 193 / [بدو]: ..... ص : 189

و البداءُ: اسْتِصْوابُ‏ شي‏ءٍ عُلِمَ بَعَدَ أَن لم يُعْلم، و ذلِك على اللَّهِ غير جائِزٍ.

قاموس قرآن / ج‏4 / 159 / صوب: ..... ص : 158

(صواب‏): حق و درست يعنى آنچه حقيقت را درك كرده‏ «لا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ قالَ‏ صَواباً» نباء: 38. يعنى قول حق و مطابق حكمت و عقل بگويد.

1. **تفسير نمونه    ج‏4    404**جمعى از بزرگان يهود توطئه كردند و گفتند نزد محمد ص مى‏رويم شايد بتوانيم او را از آئين خود منحرف سازيم، پس از اين تبانى، نزد پيامبر ص آمدند و گفتند: ما دانشمندان و اشراف يهوديم و اگر ما از تو پيروى كنيم مطمئنا ساير يهوديان به ما اقتدا ميكنند ولى در ميان ما و جمعيتى، نزاعى است (در مورد يك قتل يا چيز ديگر) اگر در اين نزاع به نفع ما داورى كنى ما به تو ايمان خواهيم آورد، پيامبر ص از چنين قضاوتى (كه عادلانه نبود) خود دارى كرد و آيه فوق نازل شد.

   **الميزان في تفسير القرآن    ج‏5    354**إعراض أرباب الأهواء عن اتباع ما أنزل الله بالحق إنما هو لكونهم فاسقين، و قد أراد الله أن يصيبهم ببعض ذنوبهم الموجبة لفسقهم، و الإصابة هو الإضلال ظاهرا [↑](#footnote-ref-1)